



## تفاوت مفهوم آزادی در تفکر اسلامی با دیگر مکاتب / معیار آزادی و محدودیت در تربیت فرزند

عضو اندیشکده خانواده مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با اشاره به مفهوم آزادی در تفکر اسلامی در مورد میزان اعمال محدودیت در تربیت کودک گفت: آزادی مطلق هیچگاه باعث هیچ کمال و رشدی نخواهد شد و در حوزه تربیت، ترکیبی از محدودیت و آزادی را داریم که اگر یکی از این دو نباشد هیچگاه به مقصد مطلوب دست نمی یابیم.

عضو اندیشکده خانواده مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با اشاره به مفهوم آزادی در تفکر اسلامی در مورد میزان اعمال محدودیت در تربیت کودک گفت: آزادی مطلق هیچگاه باعث هیچ کمال و رشدی نخواهد شد و در حوزه تربیت، ترکیبی از محدودیت و آزادی را داریم که اگر یکی از این دو نباشد هیچگاه به مقصد مطلوب دست نمی یابیم.

دکتر امیرحسین بانکی پورفرد، استاد دانشگاه اصفهان در گفتگو با خبرنگار مهر، در مورد تفاوت مفهوم آزادی از منظر تفکر اسلامی با آزادی در تفکر لیبرالی گفت: آزادی زمینه هر ارزش اخلاقی است. ارزشهای اخلاقی منهای آزادی، اصلا ارزشیّت خود را به دست نمی آورند. چون انسان هر کاری را از روی اجبار و اکراه کرد دیگر نمی توان اسم آن را ارزش اخلاقی گذارد. بنابراین در تفکر اسلامی آزادی زمینه همه ارزشهای اخلاقی و تربیت انسانی است.

وی افزود: فرق تربیت انسان با تربیت حیوان یا تربیت ملک و یا هر موجود دیگر بر روی اصل آزادی است و بر اساس همین اصل است که خداوند فرمود: لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم. ضمن اینکه انسان در شرایطی که آزاد است که هر مسیری را طی کند؛ مسیر کمال را انتخاب کند و این می شود قدر والای انسان.

این پژوهشگر حوزه خانواده با اشاره به تفاوت آزادی با مفهوم بی قیدی تأکید کرد: بی بند و باری و بی قیدی یعنی انسان در مسیر حرکتی خود هیچ افقی را رعایت نکند. در واقع ما آزادیم که اصول را رعایت نکنیم و یا خیر. اگر آزادی ما رفت به سمتی که ما به تمام معیارهای اخلاقی پشت پابزنیم که به آن بی بند و باری می گویند و کسی که دچار بی بندوباری شد یعنی آزادی را به ابتذال کشانده و بدترین گزینه را در آزادی انتخاب کرده است. مثلاً ما آزادیم که از یک لیوان آب به هر صورتی که می خواهیم، آب بنوشیم اما بدترین گزینه این است که آن لیوان را به زمین بزنیم و بشکنیم.

دکتر بانکی پور فرد در پاسخ به این سؤال که مفهوم آزادی در حوزه تربیت کودک چطور معنی می شود؟ گفت: ما باید در مسیر تربیت ضمن اینکه افراد را برای رشدشان آزاد می گذاریم. اما آنجا که به حقوق اجتماعی برمی گردد افراد را باید مقید کنیم که از آزادی شان سوء استفاده نکنند و باعث برهم خوردن ارزشهای اخلاقی در فضای معنوی خود و دیگر افراد جامعه نشوند. در تفکر اسلامی آزادی تا وقتی معتبر است که به آزادی های دیگران و آزادی دیگر خود فرد لطمه نزند. آنجا که می خواهد به دیگران لطمه زند، اجتماع باید این آزادی را محدود کند و آنجا که می خواهد به خود فرد و ارزشهای اخلاقی فرد لطمه بزند، خود فرد با مراقبت و خودسازی و کنترل نفس جریان آزادی را محدود کند.

وی با تأکید بر اینکه همان مفهوم آزادی به معنای غربی هم در درون خود محدودیت دارد، افزود: در تعریف غربی از آزادی محدود کردن را در حد این می دانند که آزادی فرد به آزادی دیگران لطمه نزند اما آن هم در محدوده امیال است. آنها آزادی را در حیطه آزادی میل تعریف کردند و ثانیاً این آزادی میل تا وقتی است که به امیال دیگران لطمه نزند. اما در تفکر اسلامی این آزادی محدود به آزادی میل نیست؛ یعنی یکی از جنبه های فرودین انسانی امیال است و خیلی از جنبه های برتری در وجود انسان است که وقتی می گوئیم آزادی همه آن جنبه ها را نیز در نظر می گیریم. ضمن اینکه در تفکر اسلامی بر خلاف مفهوم غربی فقط آزادی میل دیگران نیست که محدود کننده است بلکه بقیه جنبه های آزادی هم محدود کننده است مثلاً در تفکر غربی کسی بخواد عیش و نوش کند و شراب خواری کند و هرزه گی کند تا آنجا که به حقوق دیگران لطمه نزند و مثلاً اگر فردی متعرض کسی شد اگر او هم علاقمند بود مشکلی نیست و اگر علاقمند نبود آن وقت فرد را محدود می کنند و اگر گرفتاری در فساد و عیش و نوش در حدی باشد که به دیگران ضربه نخورد این پسندیده است و فرد می تواند هرچقدر در عین و نوش جلو برود در صورتی که به دیگران لطمه نزند در حالی که این نوع آزادی در فرهنگ اسلامی پذیرفتنی نیست.

این استاد دانشگاه اصفهان در مورد اینکه برخی از خانواده های با این توجیه که نمی خواهند در آینده فرزندشان عقده ای شود، آنها را در رفتار و تصمیماتشان آزاد می گذارند، این نوع نگاه چه پیامدهایی دارد؟ گفت: آزادی مطلق هیچگاه باعث هیچ کمال و رشدی نخواهد شد؛ مثلاً وقتی یک هواپیمایی می خواهد حرکت کند قبلاً برای آن یک جاده هوایی تعیین کردند البته در این مسیر هوایی، آزاد است که از هر قسمتش حرکت کند یا برای ما در خارج از شهر جاده ای را تعریف کردند که در هر باندی از آن می توانیم حرکت کنیم اما اگر قرار بود در مسیری که می خواهیم برویم هیچ جاده و هیچ محدودیتی نباشد، قطعاً من به مقصد نمی رسم؛ یعنی رسیدن به مقصد ترکیبی از محدودیت و آزادی است و در حوزه تربیت هم ما یکسری از مسائل را محدود می کنیم اما در همان محدوده فرد را آزاد می گذاریم و اگر یکی از این دو نباشد یعنی آزادی باشد اما هیچ محدودیتی نباشد، آدم از هر طرفی حرکت کند به مقصد نمی رسد یا برعکس محدودیت فقط باشد و آزادی عمل وجود نداشته باشد باز به مقصد نمی رسیم.

دکتر بانکی پور در پایان تأکید کرد: در تربیت ما باید به یک برابری از آزادی و محدودیت برسیم و البته همه افراد این مسئله را رعایت می کنند حتی کسانی که مدعی اند فرزند خود را آزاد می گذارند و قائل به محدودیت نیستند هم در عمل چینی نمی کنند. یک بچه ای می خواهد بدون اینکه شنا بلد باشد برود دریا، کدام پدر و مادری چنین اجازه ای به فرزندشان می دهند؟ همه خانواده هایی که به کنار دریا می روند اجازه نمی دهند که فرزندانشان از یک قسمتی جلوتر بروند. پس اینجا قائل به محدودیت هستند و خطر را احساس می کنند، اما مشکل اینگونه خانواده ها این است که خطرات فرهنگی را به اندازه خطرات جانی واقعی نمی بینند، آنها هم می دانند که باید محدودیتهایی را اعمال کنند و الا امنیت فرزندانشان به خطر می افتد. البته از آن طرف هم نباید افتاد اینکه من بخواهم کاملاً با یک فضای امنیتی، اجازه هر حرکتی را از فرزندم به احتمال خطا کردن، بگیریم. باید بتوانیم بین آزادی و امنیت هر فردی برابری متعادل برقرار کنیم، این برابری را شریعت دست ما می دهد خدای حکیمی که واقف بر خطراتی است که انسان را تهدید می کند، محدودیتهای را تعیین کرده است.